

صفات شایسته زنان بهشتی از نگاه سوره الرحمن

یازدهمین مسابقه گروهی رشد

گروه فتح مبین (استاد محسن برقی کار - وجیهه شکرانی پور - سیده فاطمه طهماسبی)

چکیده

سوره مبارکه الرحمن نمایشگاه نعمت های خدای رحمن است یکی از نعمتهایی که این سوره در آیات متعددی به وصف آن پرداخته، زنان بهشتی هستند. اوصاف زنان بهشتی، اوصافی است که فطرت مردان طالب آن است و می تواند زنان را به کمال مطلوبیت برساند. بررسی این آیات نشان می دهد با وجود اینکه بهشت محدودیت های دنیا را ندارد و اگر ابتذال و بی بندوباری خواسته ای اصیل در نهاد انسان بود خداوند وعده آن را در بهشت می داد؛ لیکن همه جا سخن از حیا و مستور بودن و پاکدامنی است که نشان دهنده ارزش های اصیل انسانی می باشد. این سوره حیای چشم را مقدمه عفت و پاکدامنی می داند و زیبایی سیرت و صورت، پرده نشینی و عفت و پاکدامنی را صفات شایسته زنان و مورد پسند فطرت مردان معرفی می کند. زنان در کنار ایفای نقش های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، با رعایت این اصول می توانند در جایگاه متعالی که پروردگار برایشان لحاظ کرده است قرار بگیرند.

واژه های کلیدی: صفات زنان، سوره الرحمن، حیا، عفت، حجاب.

مقدمه

در دنیای امروز که دوران جاهلیت مدرن است و به اسم دفاع از حقوق زنان، زن را به ابتذال کشیده‌اند و از این طریق اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، یعنی خانواده را متزلزل ساخته‌اند و در شرایطی که مفاهیمی همچون حیا و عفت و پاکدامنی جایگاه خود را در بسیاری از جوامع از دست داده‌اند؛ توجه به توصیفاتی که قرآن از زنان بهشتی ارائه می‌دهد بسیار جالب توجه و تأمل برانگیز است.

اوصاف همسران بهشتی در سوره های متعدد ذکر شده است؛ لیکن این تحقیق، تنها اوصاف مذکور در سوره مبارکه الرحمن را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. این سوره که در لسان روایات، عروس قرآن نام گرفته و سرشار از زیبایی های لفظی و ادبی است، زیباترین جهان بینی را به جن و انس تعلیم می‌دهد؛ به این صورت که تمام هستی را نعمت و جلوه ای از رحمت مطلقه الهی می‌داند که لازم است جن و انس در برابر آن سپاسگزار باشند. یکی از نعمتها و زیبایی هایی که در این سوره توصیف شده، صفات زنان بهشتی است که به روشنی الهام بخش زنان برای رسیدن به کمال است.

بررسی آیات

در سوره الرحمن و در ادامه ذکر جلوه‌های متعدد رحمت الهی، با قدری از تفصیل به ذکر اوصافی از دو دسته بهشت با دو سطح از نعمت‌ها می‌پردازد. بعد از برشمردن برخی از نعمت‌ها همچون درختان و چشمه‌ها و میوه‌ها از همسران بهشتی یاد می‌کند که در هر دو سطح از بهشت اوصافی تقریباً مشابه دارند.

در دو بهشتی که برای دسته اول بهشتیان ترسیم می‌کند می‌فرماید: «فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ؛ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ؛ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن: ۵۶-۵۸)؛ در آن بهشت‌ها زنانی هستند که جز به همسران خود چشم ندوخته و جز به آنها عشق نمی‌ورزند و هیچ انسان و جنی قبل از بهشتیان با آنها تماس نگرفته است. پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را تکذیب می‌کنید. آنها همچون یاقوت و مرجان‌اند.

^۱. جلال الدین سیوطی، الدرالمثور فی تفسیر المأثور، ج ۷، ص ۶۹۰.

«طَرَف» بر وزن حرف به معنای پلک چشم^۱ است. «قَاصِرَاتُ الطَّرَفِ» اصطلاحاً به معنای فروهشته چشم و باحیا است. «طَمَثٌ» یعنی تماس مؤثر با یک شیء که موجب تصرف در آن شود.^۲ «یاقوت» یکی از گرانبهاترین سنگ‌های زینتی و به رنگ سرخ و شفاف است. «مرجان» از خانواده عروس دریایی و شقایق هاست و رنگ‌های متنوعی دارد. نوع قیمتی آن داری طیف وسیعی از رنگ‌های قرمز مایل به صورتی است. شاید در اینجا منظور نوع سفید آن باشد که در کنار قرمز یاقوتی جلوه‌ای زیبا پیدا می‌کند.

در ادامه و زمانی که دو بهشت دیگر را برای بهشتیان توصیف می‌کند، به وصف زنانی دیگر پرداخته می‌فرماید: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ؛ فَبَائِيَّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ؛ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ؛ فَبَائِيَّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ؛ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن: ۷۰-۷۴)؛ در آنجا زنانی نیکو خلق و زیبا روی است. پس کدامین نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید. حوریانی که در خیمه‌ها مستورند. پس کدامیک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید. پیش از بهشتیان هیچ انسان و جنی به آنها دست نزده است.

اصل واحد در ماده «خیر» تفضیل و برتری چیزی و انتخاب و برگزیدن آن است و در این دو قید، تفضیل و انتخاب در تمامی مشتقات آن لحاظ شده است. مؤنث آن "خیره" است که به صورت «خیرات» جمع بسته می‌شود.^۳ «حسان» جمع حسن و حسنة و حسناء است یعنی مذکر و مؤنث در آن یکسان‌اند.^۴ معنای آن هر اثر بهجت آفرین و شادی بخش است که مورد آرزو باشد.^۵ کلمه «خیر» بیشتر در معانی استعمال می‌شود و کلمه «حسن» مورد استعمالش بیشتر در نقش‌ها و صورت هاست. بنابراین «خیرات حسان» یعنی همسران بهشتی هم خوش اخلاق‌اند و هم زیبا و به عبارتی سیرت و صورتشان هر دو خوب است.^۶

«حور» جمع حوراء به معنای زنان سفید چهره است که چشمانی سیاه شبیه چشمان آهو دارند.^۷ «خیام» جمع خیمه است لیکن خیمه‌های بهشتی از نظر گستردگی و وسعت و زیبایی قابل مقایسه با خیمه‌های دنیایی

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ج ۲، ص ۴۷۸.

۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۱۱۵.

۳. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۵۹.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۲۲.

۵. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۸۹.

۶. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۱۱۱.

۷. همان، ج ۱۸، ص ۲۲۸ و فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۲۳.

نیستند. «مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» اشاره به این است که حوریان تنها به همسرانشان تعلق دارند و از دیگران مستور و پنهانند.^۱

صفات مطلوب زنان

متأسفانه جاهلیت مدرن، زن امروز را در جهتی کاملاً مخالف مسیری که او را در جایگاه حقیقی مطلوبیت می‌نشانند، سوق می‌دهد و او را به ابزاری بی‌ارزش برای پاسخگویی به هوس‌های زودگذر مردان تبدیل کرده‌است که نتیجه آن تباهی و پژمردگی زنان، بیماری‌های اعصاب و روان، از هم گسیختگی بنیان خانواده و بالا رفتن آمار خودکشی‌ها بوده است.

آنچه در این آیات به مؤمنین وعده داده شده صفاتی است که مطلوب هر فطرت سلیمی می‌باشد. خداوند به عنوان خالق بشر، خود بهتر می‌داند که نفوس بشر طالب چیست و چه چیزهایی واقعاً نزد او ارزشمند است. در مقایسه میان زن و مرد، سرشت مرد طالب بودن و طبیعت زن مطلوب بودن است. زنان به دلیل عواطف و احساسات سرشارشان تنها به دنبال تحقق همین کمال مطلوبیت‌اند^۲ اما چه چیزی می‌تواند آنها را به این جایگاه برساند؟

خداوند آنجا که می‌خواهد مؤمنین را ترغیب به عبودیت کند و با ترسیم بهشت به آنها شور و انگیزه ببخشد، ارزشمندترین اوصاف همسران بهشتی آنها را بیان می‌کند و از این طریق علاوه بر ترغیب اهل ایمان، به زنان مؤمن نیز می‌آموزد که ارزش واقعی یک زن در چیست و او چگونه می‌تواند به کمال مطلوبیت برسد و قرآن از این طریق نیازهای فطری هر دو را پاسخ می‌دهد.

۱- حیا

در این آیات خداوند، به عنوان اولین صفت، می‌فرماید همسران بهشتی زنانی با حیا هستند و از آنجا که جایگاه اصلی حیا در چشمان است،^۳ از تعبیر «قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ» استفاده شده است. یعنی آنها علاوه بر اینکه قلبشان تنها متوجه همسرانشان است و به شخص دیگری نظر ندارند، آثار حیا و پاکی نیز در چهره‌شان هویدا است. در روایتی حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «الْحَيَاءُ غَضُّ الطَّرْفِ»^۴ حیا فروهستن چشم است.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ص ۱۸۳.

۲. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، ص ۶۳.

۳. عن ابی جعفر (علیه السلام) قال: «فإن الله جعل الحياء في العينين» محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ۱۳۸۰، ص ۳۷۰.

۴. جمال الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۱۲۶.

قرآن در مورد روابط زن و مرد بر روی «غض بصر» تأکید می‌کند^۱ و در روایات، نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان دانسته شده است. چراکه نگاه بیشترین نقش را در ایجاد دلبستگی بازی می‌کند.

حیا به معنای انقباض و گرفتگی نفس از زشتی‌ها و ترک آنهاست.^۲ از نوع نگاه افراد می‌توان علاوه بر میزان حیای آنها، میزان عقل و معرفتشان را نیز سنجید، چرا که بر اساس روایات حیای چشم ناشی از عقل و معرفت است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَحْيَاهُمْ»^۳ یعنی عاقلترین مردم با حیاترین آنهاست.

واقعیت این است که هیچ ویژگی به اندازه حیا نمی‌تواند به یک زن عظمت ببخشد و مخاطب را در برابرش به تواضع وادارد. و زنان در طول تاریخ با یک نوع الهام و با هوش فطری خود این مسئله را دریافتند و از حیا و عفاف برای گرانها کردن و حفظ موقعیت خود در برابر مردان استفاده کردند.

مرد بر خلاف آنچه ابتدا تصور می‌شود در عمق روح خود از ابتذال زن و تسلیم و رایگانگی او متنفر است. مرد همیشه عزت و استغناء و بی‌اعتنایی زن را نسبت به خود ستوده است.

بقول ویل دورانت:

«زنان دریافتند که دست و دل بازی مایه طعن و تحقیر است و این را به دختران خود آموختند. مرد جوان به دنبال چشمان با حیاست و بی آنکه بداند احساس می‌کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می‌دهد.»^۴

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «از دنیای شما سه چیز محبوب من است: زن، بوی خوش و نور چشم من در نماز است.»^۵ محی‌الدین ابن عربی سر محبوب بودن زن را این می‌داند که چون خداوند منزّه از آن است که بدون مظهر و محل تجلی دیده شود، و هر مظهري که بیشتر جامع اسماء و اوصاف الهی باشد بهتر خدا را نشان می‌دهد، و زن در مظهریت خدا کاملتر از مرد است چرا که مرد فقط مظهر قبول و انفعال است چون مخلوق حق است و زن گذشته از آنکه مظهر قبول و انفعال الهی است مظهر فعل و تأثیر الهی نیز هست چون در مرد تصرف می‌کند و او را مجذوب و محب خویش می‌سازد، و این تصرف و تأثیر نموداری از

۱. سوره نور (۲۴) ۳۱-۳۰.

۲. حسین بن محمد راغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۷۰.

۳. جمال الدین محمد خوانساری، شرح غررالحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۳۸۰.

۴. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، صص ۶۲-۶۷.

۵. شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۶۵.

۳- لطافت و دوری از دسترس همگان

بعد از عفت و پاکدامنی اشاره‌ای به زیبایی و لطافت این همسران شده است. می‌فرماید: «كَأَنَّهِنَّ الْأَيَّافُوتُ وَالْمَرْجَانُ» در زیبایی و لطافت همچون یاقوت و مرجان هستند. یعنی میل به زیبایی همسر نیز اگرچه به لحاظ اهمیت بعد از عفت و پاکدامنی قرار دارد؛ لیکن یک خواسته اصیل در انسان است و در روایات داریم همسران مؤمن و صالح دنیوی، در بهشت زیباتر از همسران بهشتی خواهند بود و این به دلیل ایمان و اعمال صالح آنها در دنیا است.^۱

البته این توصیف می‌تواند اشاره به ارزشمندی زنان نیز باشد و حتی این معنی به سیاق نزدیکتر است. ابتدا از حیا و پاکدامنی زنان تعریف شده و سپس می‌فرماید این زنان گویا یاقوت و مرجان‌اند که یکی گوهری گرانبها در دل کوه و دیگری مخلوقی ارزشمند در عمق دریاهاست. یاقوت و مرجان غیر از زیبایی و فوایدی که دارند، هر دو قیمتی هستند و ویژگی بارز آنها این است که در دسترس قرار ندارند؛ بلکه باید برای رسیدن به آنها تلاش فراوان کرد و همین مسئله بر قدر و ارزش آنها افزوده است. زنان بهشتی نیز در دسترس همگان قرار ندارند؛ بلکه مؤمنین در پاداش مجاهدتهایشان به آنها دست خواهند یافت. زنان دنیوی نیز باید اینگونه برای خود ارزش قائل باشند و بدانند همچون گوهرهای گرانبها که مخفی در دل کوهها و اقیانوس‌ها هستند، باید جایگاه ارزشمند خود را حفظ کنند و ارزان خود را در دسترس همگان قرار ندهند.

۴- نیکو سیرت و نیکو صورت

در ادامه و در توصیف دسته دیگر زنان بهشتی که متعلق به گروه دیگری از بهشتیان هستند می‌فرماید: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ» در آن بهشت‌ها زنانی نیکو سیرت و نیکو صورت است.

در دنیا معمولاً کامیابی‌ها و بهره‌مندی‌ها با غفلت‌ها و گناهانی همراه است؛ لیکن این همسران بهشتی «خیرات حسان» هستند، یعنی جمع میان حسن سیرت و حسن صورت کرده‌اند و تمام صفات کمال و جمالی که در یک همسر مطلوب است در آنها جمع شده است.

به نظر می‌رسد این یک توصیف فوق‌العاده است؛ اینکه بدون اشاره به موصوف، صفت آنها را بیان کرده اشاره به این است که این زنان عین خیر و حسن هستند و وجودشان با صفات نیک و زیبایی‌ها یکی شده است.

^۱. همان، ص ۱۲۱.

در روایات آمده که «خَيْرَاتُ حِسَانٍ» بانوان صالحه و با ایمان و با معرفت دنیایی اند که از حورالعین زیباتراند^۱ و طبق آیات دیگر قرآن اگر همسران دنیایی آنها نیز مؤمن و صالح باشند در صورت تمایل در آن دنیا به هم ملحق خواهند شد.^۲

زن مظهر اسم رحمن خداوند است و اگر شرایط طبیعی خود را حفظ نموده و خود را درگیر مسائل اقتصادی نکند، وجودش سراسر رحمت و خدمت به خانواده خواهد بود. اگر زن بداند مظهر چنین اسمی است بر اساس همین صفت با همسر و فرزندان رفتار می‌کند و جنبه رحمانی خود را تقویت کرده، به راحتی تمنای همسرش را می‌پذیرد و با روحیه خدمت، احساس بقاء و وجود در خود می‌کند.^۳

زنان اگر در جستجوی هویت خویش هستند با تسلیم در برابر همسر خود می‌توانند آن هویت را بیابند. همچنانکه هر انسانی در حالت کلی تر هویت خود را در بندگی خداوند به دست می‌آورد و هر چه در راه بندگی خدا موفق تر باشد احساس می‌کند به خود اصیل خود نزدیک تر شده است. در همین راستا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «اگر سزاوار بود کسی را امر به سجده در برابر دیگری نمایم، دستور می‌دادم زن در برابر همسرش سجده کند».^۴ با توجه به این نگاه، همسران نباید در انجام وظایف با همدیگر معامله کنند و اگر یکی در انجام وظایف کوتاهی کرد، دیگری هم کوتاهی کند چرا که در ترک وظیفه عملاً ترک هویت خود را دامن زده‌اند.^۵

بنابراین می‌توان گفت «خَيْرَاتُ حِسَانٍ» اشاره به چنین زنانی دارد که از روی اختیار، جایگاه خود را شناخته‌اند و وجودشان، سراسر خیر و رحمت و زیبایی شده است و از این جهت بر حورالعین برتری دارند.

۵- پوشیدگی و عفاف

در ادامه و در توصیفات دیگر از زنان بهشتی می‌فرماید: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ؛ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ» زنانی زیبا و مستور در خیمه‌ها که پیش از بهشتیان احدی با آنها تماس نداشته است. براستی

۱. عبد علی بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۱.

۲. غافر (۴۰)، آیه ۸ و رد (۱۳)، آیه ۲۳.

۳. اصغر طاهرزاده، زن آنگونه که باید باشد، صص ۴۴.

۴. «لو كنت أمر أحدا أن يسجد لأحد لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها» محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۴۱.

۵. اصغر طاهرزاده، زن آنگونه که باید باشد، صص ۴۷-۴۹.

پوشیده بودن زن و عفت و پاکی او، چقدر او را نزد مردان با ارزش می‌سازد که برای این دسته از بهشتیان نیز بشارت چنین همسرانی داده شده است.

بهشت مکانی است که محدودیت‌های دنیا را ندارد و سراسر لذت و خوشی است؛ بنابراین اگر ابتدال و بی‌بندوباری یک خواسته اصیل در نهاد انسان بود، خداوند وعده آن را در بهشت می‌داد؛ لیکن همه جا صحبت از حیا و مستور بودن و پاکدامنی است که نشان دهنده ارزش‌های اصیل انسانی می‌باشد و اینکه این صفات زن را در جایگاه کمال مطلوبیت قرار می‌دهد و نزد مردان حقیقتاً ارزش شمرده می‌شود.

در این دنیا و در قرون اخیر در اثر توطئه‌های مستکبرین و به منظور بهره‌کشی از زنان، خلاف ارزش‌های حقیقی را میان جوامع ترویج داده‌اند که خسارات ناشی از آن قابل شمارش نیست اما توجه به رهنمودهای کتاب هدایت می‌تواند مسیر تعالی را برای زنان روشن نماید.

در ارتباط میان زن و مرد بالاتر از ارضای غرائز جنسی، مسئله اتحاد و یگانگی روحی است. قرآن سرمایه زندگی زوجین را مودت و رحمت می‌داند^۱ و در این آیات هم، به جنبه‌های روحی این رابطه اشاره می‌کند. زنانی که نه تنها قبل همسر خود با کسی رابطه نداشته‌اند بلکه مستور در خیمه‌ها هستند، تمام سرمایه محبتشان را نثار همسر خود می‌کنند و به کسی غیر از او توجه ندارند و این اوج طلب یک مرد از همسرش است.^۲

در این دنیا مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، زنان را به حضور در اجتماع فرا می‌خواند و گریزی از آن نیست؛ لیکن مجاهدت در این عرصه‌ها باید با حفظ حریم حیا و عفاف همراه باشد و از اختلاط میان زن و مرد جلوگیری شود و بیش از هرچیز حفظ پیوند مودت و رحمت در کانون خانواده، در جایگاه اهمیت و توجه قرار داشته باشد. فعالیت اجتماعی که خانواده را متزلزل سازد، غیر از خسران چیزی به همراه نخواهد داشت و این یکی دیگر از معجزات کتاب هدایت است که ۱۴۰۰ سال پیش در محیط جاهلی عربستان به این زیبایی به این ظرائف اشاره کرده است و زنان امروز برای نجات خود و رسیدن به کمال بیش از هر زمانی به آن نیازمندند.

نتیجه

۱. «ومن آیاته أن خلق لكم من انفسكم ازواجا لسكنوا إليها و جعل بینكم مودة و رحمه إن فی ذلك لآیات لقوم یتفکرون» روم (۳۰)، آیه ۲۱.

۲. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ص ۷۷.

در مقایسه میان زن و مرد، سرشت مرد طالب بودن و طبیعت زن مطلوب بودن است و زنان به دلیل عواطف و احساسات سرشارشان به دنبال تحقق همین کمال مطلوبیت اند. خداوند آنجا که می‌خواهد مؤمنین را ترغیب به عبودیت کند و با ترسیم بهشت به آنها شور و انگیزه ببخشد، ارزشمندترین اوصاف همسران بهشتی آنها را بیان می‌کند و از این طریق علاوه بر ترغیب اهل ایمان، به زنان مؤمن نیز می‌آموزد که ارزش واقعی یک زن در چیست و او چگونه می‌تواند به کمال مطلوبیت برسد و قرآن از این طریق نیازهای فطری هر دو را پاسخ می‌دهد. اوصاف شایسته زنان از نگاه این سوره عبارتند از: حیا در نگاه، عفت و پاکدامنی، لطافت و دوری از دسترس همگان، نیکو بودن توأمان سیرت و صورت و پوشیدگی و عفاف. باید توجه کنیم که بهشت مکانی است که محدودیت‌های دنیا را ندارد و سراسر لذت و خوشی است؛ بنابراین اگر ابتذال و بی‌بندوباری یک خواسته اصیل در نهاد انسان بود، خداوند وعده آن را در بهشت می‌داد؛ لیکن همه جا صحبت از حیا و مستور بودن و پاکدامنی است که نشان دهنده ارزش‌های اصیل انسانی می‌باشد و اینکه این صفات زن را در جایگاه کمال مطلوبیت قرار می‌دهد و نزد مردان حقیقتاً ارزش شمرده می‌شود.

فهرست منابع

۱. بانکی پورفرد، امیرحسین، حیا، چاپ اول، اصفهان: حدیث راه عشق، ۱۳۸۳.
۲. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیینه جلال و جمال، چاپ ششم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۳. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غررالحکم و دررالکلم، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران: ۱۳۶۶.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن الکریم، چاپ چهارم، قم: طلیعه النور، ۱۴۲۹.
۵. سیوطی، جلال الدین، الدرالمثور فی تفسیر المأثور، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴.
۶. شیخ صدوق، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.
۷. طاهرزاده، اصغر، زن آنگونه که باید باشد، چاپ دهم، اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۶.
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
۱۰. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، چاپ اول، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰.
۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۴.
۱۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۴. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، چاپ چهارم، تهران: صدرا، ۱۳۷۸.
۱۵. _____، مسئله حجاب، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۸.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.